

بسم الله الرحمن الرحيم

موضوع: خطبه‌ی فدکیه- حقیقت ارث در قرآن

جلسه چهل و هفتم 99/10/20

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين  
الحمد لله والصلاة على محمد رسول الله وعلى آله آل الله لاسيما على مولانا بقية الله واللعن  
الدائم على اعدائهم اعداء الله إلى يوم لقاء الله.

پرسش:

وهابی‌ها در «پاکستان» می‌گویند ما نکاحی به نام «جهاد نکاح» نداریم، چطور قابل اثبات است؟

پاسخ:

البته ما هم می‌گوییم نداریم. «جهاد نکاح» ساخته و پرداخته داعش بوده و بدعت، خلاف شرع، حرام و زنا  
است، در آن هیچ شک و شبهه ای نیست. در «جهاد نکاح» در یک روز، یک زن را چهار نفر - پنج نفر عقد  
می‌کنند، با یک لا اله الا الله طلاق می‌دهند و نفر بعدی او را عقد می‌کند، اینها صحیح نیست.

پرسش:

روایت داریم که حضرت زهرا (سلام الله علیها) روزها یک طور نور داشتند و شبها یک طور دیگر نور  
داشتند.

پاسخ:

این روایت را «قرمانی»، از علمای اهل سنت آورده.

قالت عائشة : «كُنَّا نَخِيطُ وَ نَغْزَلُ وَ نَنْظُمُ الْإِبْرَةَ بِاللَّيْلِ فِي ضَوْءِ وَجْهِ فَاطِمَةَ»

ما خیاطی و ریسندگی می‌کردیم و سوزن‌هایمان را نخ می‌کردیم در شب از نور صورت فاطمه (سلام الله علیها)!

أخبار الدول و آثار الأول في التاريخ- المؤلف: قرمانی، احمد بن یوسف (م 1019)-محقق: احمد حطیط /فهمی سعد -عالم الکتب/بیروت. ج 1 ص 256

درباره نور حضرت، روایاتی هم در کتاب «علل الشرایع - شیخ صدوق» هست.

أَبِي رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنِي جَعْفَرُ بْنُ سَهْلِ الصَّقَلُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ الدَّارِمِيِّ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جَعْفَرِ الْهَزْمَرَانِيِّ عَنْ أَبَانَ بْنِ تَغْلِبٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ لِمَ سُمِّيَتِ الرَّهَاءُ عَ زَهْرَاءَ فَقَالَ لِأَنَّهَا تَزْهَرُ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع فِي النَّهَارِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ بِالنُّورِ كَأَن يَزْهَرُ نُورٌ وَجْهَهَا صَلَاةُ الْعِدَاةِ وَ النَّاسِ فِي فُرْشِهِمْ فَيَدْخُلُ بَيَاضُ ذَلِكَ النُّورِ إِلَى حُجْرَاتِهِمْ بِالْمَدِينَةِ فَتَبْيِضُ حَيْطَانُهُمْ فَيَعْجَبُونَ مِنْ ذَلِكَ فَيَأْتُونَ النَّبِيَّ ص فَيَسْأَلُونَهُ عَمَّا رَأَوْا فَيُرْسِلُهُمْ إِلَى مَنْزِلِ فَاطِمَةَ ع فَيَأْتُونَ مَنْزِلَهَا فَيَرَوْنَهَا قَاعِدَةً فِي مِحْرَابِهَا تُصَلِّي وَ النُّورُ يَسْطَعُ مِنْ مِحْرَابِهَا مِنْ وَجْهَهَا فَيَعْلَمُونَ أَنَّ الَّذِي رَأَوْهُ كَانَ مِنْ نُورِ فَاطِمَةَ..

نوری به داخل منازل مردم «مدینه» می‌تابید، از پیغمبر سوال می‌کردند، حضرت آنها را به در خانه حضرت زهرا می‌فرستادند و می‌فهمیدند که این از نور حضرت زهرا (سلام الله علیها) است.

علل الشرائع- مؤلف: ابن بابویه، محمد بن علی (م 381 ق)-ناشر: کتاب فروشی داوری-قم- ج 1 ، ص

180

دکتر «عاصم ابراهیم کیالی» استاد «جامعه بیروت - دانشکده کلیه» هم در کتاب «مجموع لطیف أنسی فی صیغ المولد النبوی القدسی» آورده.

پرسش:

دلیل صریح در منابع اهل سنت مبنی بر آتش زدن خانه حضرت، وجود دارد یا خیر؟ چون بعضی از علما بر این عقیده هستند که هیزم آورده شد ولی احراق رخ نداد.

**پاسخ:**

مطلبی که در کتب اهل سنت وجود دارد این است که آتش آوردند و خلیفه دوم قسم هم خورد که:

«والله لأحرقن علیکم أو لتخرجن إلی البیعة»

خانه را به آتش می کشیم، مگر اینکه خارج شوید برای بیعت!

تاریخ الطبري؛ المؤلف: محمد بن جرير الطبري الوفاة: 310، دارالنشر: دارالکتب العلمیة - بیروت،

ج2، ص233

در کتاب «صحيح بخاری» و «صحيح مسلم» است که حضرت امير (سلام الله عليه) و بنی هاشم تا شش ماه بیعت نکردند.

«وَعَاشَتْ بَعْدَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سِتَّةَ أَشْهُرٍ فَلَمَّا تُوَفِّيَتْ دَفَنَهَا زَوْجُهَا عَلِيٌّ لَيْلًا وَلَمْ يُؤْذَنْ بِهَا أَبَا بَكْرٍ وَصَلَّى عَلَيْهَا.. وَلَمْ يَكُنْ يُبَايِعُ تِلْكَ الْأَشْهُرَ.»

الجامع الصحيح المختصر؛ اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي الوفاة:

256، دار النشر: دار ابن كثير، اليمامة - بيروت - 1407 - 1987، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د.

مصطفى ديب البغا، ج4، ص1549، ح3998

«ولم يَكُنْ بَايِعَ تِلْكَ الْأَشْهُرَ»

صحيح مسلم؛ اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري الوفاة: 261، دار

النشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، ج3، ص1380، ح1759

نه تنها حضرت علی، بلکه:

«لا ولا أحد من بني هاشم»

هیچ کدام از بنی هاشم هم بیعت نکردند!

المصنف؛ اسم المؤلف: أبو بكر عبد الرزاق بن همام الصنعاني الوفاة: 211 ، دار النشر: المكتب

الإسلامي - بيروت - 1403 ، الطبعة : الثانية، تحقيق : حبيب الرحمن الأعظمي، ج5، ص 471

پس این عده که بیعت نکردند ،از طرف دیگر خلیفه دوم قسم خورده بود به احراق بیت، حال یا متعلق قسمش را عملی کرده و یا اینکه حنث قسم کرده و کفاره داده است.

به هر حال خیلی از حقایق را حذف کرده‌اند و نگذاشتند به دست ما برسد. «ذهبی» می‌گوید :

«وَهَذَا فِيمَا بَأْيَدِنَا وَ بَيْنَ عُلَمَائِنَا، فَيَنْبَغِي طَيْبُهُ وَ إِخْفَاؤُهُ، بَلْ إِغْدَامُهُ، لِتَضْفُو الْقُلُوبُ، وَ تَتَوَقَّرَ عَلَى

حُبِّ الصَّحَابَةِ، وَ التَّرَضِّي عَنْهُمْ، وَ كُتْمَانُ ذَلِكَ مُتَعَيِّنٌ عَنِ الْعَامَّةِ، وَ أَحَادِ الْعُلَمَاءِ»

این روایات در بین ما و علمای ما موجود است. و لازم است که از کتاب‌ها برداشته شود و مخفی شود. بلکه از بین برده شود. برای اینکه دلها نسبت به صحابه صاف شود و علاقه مردم به صحابه و رضایتشان از صحابه روز افزون شود و کتمان مطالب مطاعن صحابه از عموم مردم و تک تک علماء، واجب است!

سیر أعلام النبلاء، اسم المؤلف: محمد بن أحمد بن عثمان بن قایماز الذهبي أبو عبد الله، دار النشر:

مؤسسة الرسالة - بيروت - 1413، الطبعة: التاسعة، تحقيق: شعيب الأرنؤوط، محمد نعيم

العرقسوسي؛ ج10، ص 92

پرسش:

بهترین دلیل بر اینکه عمر، دَرِ خانه را آتش زده است، آرزوی ابوبکر است که گفت ای کاش به خانه فاطمه

آتش نمی‌انداختم!

پاسخ:

تعبیر آتش نمی‌انداختم نیست.

« فَوَدِدْتُ أَنِّي لَمْ أَكُنْ كَشَفْتُ بَيْتَ فَاطِمَةَ وَتَرَكْتُهُ وَأَنْ أُغْلِقَ عَلَيَّ الْحَرْبَ »

المعجم الكبير؛ اسم المؤلف: سليمان بن أحمد بن أيوب أبو القاسم الطبراني، دار النشر: مكتبة الزهراء  
- الموصل - 1404 - 1983، الطبعة: الثانية، تحقيق: حمدي بن عبدالمجيد السلفي؛ ج 1، ص 62، ح

43

### آغاز بحث...

ما این هفته به خاطر که فاطمیه را در پیش داریم، این چند جلسه، در رابطه با بعضی از شبهات اساسی  
مربوط به این ایام که مسئله فقهی هم است بحث می‌کنیم.

قضیه فدک باید از دو جنبه بحث بشود، اول اینکه آیا فدک بخشش رسول اکرم و نحلہ پیغمبر به حضرت  
زهرا بوده که بعد اینها غصب کردند؟ دوم اینکه بر فرض که این نحلہ و هدیه هم نبوده باشد، اما فدک  
قطعا ملک پیغمبر بوده است؛ طبق آیه شریفه:

(وَمَا آفَاءَ اللَّهِ عَلَى رَسُولِهِ مِنْهُمْ فَمَا أَوْجَفْتُمْ عَلَيْهِ مِنْ خَيْلٍ وَلَا رِكَابٍ وَلَكِنَّ اللَّهَ يُسَلِّطُ رُسُلَهُ عَلَى مَنْ  
يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ)

و آنچه را خدا از آنان به رسم غنیمت عاید پیامبر خود گردانید [شما برای تصاحب آن] اسب یا  
شتري بر آن نتاختید ولي خدا فرستادگانش را بر هر که بخواهد چیره مي‌گرداند و خدا بر هر کاري  
تواناست

سوره حشر (59): آیه 6

این مربوط به ملک شخصی پیغمبر است و ربطی به اغیار ندارد، و پیغمبر هم جز حضرت زهراء مرضیة  
وارثی نداشته اند، اینجا بحث ارث وسط می‌آید.

استدلال حضرت زهرا (سلام الله علیها) به آیات ارث را هم بررسی می‌کنیم.

«جوهري» در كتاب «صاح اللغه» مى گويد:

«و وژته توريثا ، أي أدخله في ماله على ورثته»

الصاح؛ الجوهري (وفات : 393)، تحقيق: أحمد عبد الغفور العطار، ناشر : دار العلم للملايين - بيروت - لبنان 1407 - 1987 م، ج 1، ص 296

همچنين «ابوحيان اندلسي» در كتاب «تفسير بحر المحيط» مى گويد:

«وحقيقة الميراث في المال والأنبياء لا نورث مالا ... وقال الحسن : ورث المال لأن النبوة عطية مبتدأة لا تورث»

تفسير البحر المحيط؛ اسم المؤلف: محمد بن يوسف الشهير بأبي حيان الأندلسي الوفاة: 745هـ دار النشر: دار الكتب العلمية - لبنان/ بيروت - 1422هـ - 2001م، الطبعة: الأولى، تحقيق: الشيخ عادل أحمد عبد الموجود - الشيخ علي محمد معوض، شارك في التحقيق (1) د.زكريا عبد المجيد النوقي (2) د.أحمد النجولي الجمل، ج7، ص57

البته اينكه مى گويد «و الانبياء لا تورث مالا» بحث جدايى است؛ فعلا بحث ما اين است كه كلمه ارث يا ميراث، حقيقتش چيست؟

مى گويد :حقيقة الميراث فى المال، حال عباراتى نظير «ورث الكتاب، ورث العلم» و ... هم اگر بكار رود، قاعده چيست؟

قرطبي مى گويد:

«وإذا دار الكلام بين الحقيقة والمجاز فالحقيقة الأصل كما في كتب الأصول»

الجامع لأحكام القرآن؛ اسم المؤلف: أبو عبد الله محمد بن أحمد الأنصاري القرطبي الوفاة: 671، دار النشر: دار الشعب - القاهرة، ج4، ص257

«فخر الدين رازی» هم می‌گوید:

«أن الأصل المعتبر في علم القرآن أنه يجب إجراء اللفظ على الحقيقة ، إلا إذا قام دليل يمنع منه»

التفسير الكبير أو مفاتيح الغيب؛ اسم المؤلف: فخر الدين محمد بن عمر التميمي الرازي الشافعي  
الوفاة: 604، دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت - 1421هـ - 2000م ، الطبعة : الأولى، ج9،  
ص60

وقتی این است:

(وَوَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُودَ وَقَالَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ عُلِّمْنَا مَنْطِقَ الطَّيْرِ وَأُوتِينَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْفَضْلُ  
الْمُبِينُ)

و سلیمان از داوود میراث برد و گفت ای مردم ما زبان پرندگان را تعلیم یافته‌ایم و از هر چیزی به  
ما داده شده است راستی که این همان امتیاز آشکار است.

سوره نمل (27): آیه 16

حقیقت ارث «ادخال المال» در ملک غیر است، معنای حقیقی میراث هم در مال است. بیش از بیست آیه  
داریم که ماده «ورث» با متعلقاتش در قرآن استعمال شده است. ان شاء الله به بعضی از آنها اشاره خواهیم  
کرد. استعمال ارث در قرآن عمدتاً در مال است:

(يَسْتَفْتُونَكَ قُلِ اللَّهُ يُفْتِيكُمْ فِي الْكَلَالَةِ إِنْ امْرُؤٌ هَلَكَ لَيْسَ لَهُ وَلَدٌ وَلَهُ أُخْتٌ فَلَهَا نِصْفُ مَا تَرَكَ وَهُوَ  
يَرِثُهَا إِنْ لَمْ يَكُنْ لَهَا وَلَدٌ فَإِنْ كَانَتَا اثْنَتَيْنِ فَلَهُمَا الثُّلُثَانِ مِمَّا تَرَكَ وَإِنْ كَانُوا إِخْوَةً رِجَالًا وَنِسَاءً فَلِلذَّكَرِ  
مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَيْنِ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ أَنْ تَضِلُّوا وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ)

سوره نساء (4): آیه 176

کلمه (يَرِثُهَا) به «اموال» بر می‌گردد.

یا:

(لَا تُضَارُّ وَالِدَهُ بِوَالِدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَالِدِهِ وَعَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَلِكَ)

نه مادر (به خاطر اختلاف با پدر) حق ضرر زدن به کودک را دارد، و نه پدر. و بر وارث او نیز لازم است این کار را انجام دهد [= هزینه مادر را در دوران شیرخوارگی تأمین نماید].

سوره بقره (2): آیه 233

یا:

(وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ)

در «زبور» بعد از ذکر (تورات) نوشتیم: «بندگان شایسته‌ام وارث (حکومت) زمین خواهند شد!»

سوره انبیاء (21): آیه 105

(وَأَوْرَثْنَا الْقَوْمَ الَّذِينَ كَانُوا يُسْتَضَعُونَ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا)

و مشرقها و مغربهای پر برکت زمین را به آن قوم به ضعف کشانده شده (زیر زنجیر ظلم و ستم)، واگذار کردیم.

سوره اعراف (7): آیه 137

تمام این‌ها استعمال کلمه «ارث» در قرآن در مال است، اگر در غیر مال هم استعمال می‌شود در «کتاب» و ... مشخص است که استعمال مجازی است.

یا در رابطه با حضرت «زکریا»:

(فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا يَرِثُنِي)

تو از نزد خود جانیشینی به من ببخش که وارث من باشد.



## سوره مریم (19): آیه 5

می فرماید : خدایا به من فرزندی عطا کن که وارث من باشد، از من ارث ببرد. ارث به او برسد یعنی چه؟ ارث نبوت است؟ نبوت که قابل ارث بردن نیست، نبوت دست خدای عالم است و خدای عالم هر کس را صلاح بداند، نبوت را به او می‌دهد. نبوت دست پیغمبر نیست و نداریم پیغمبری که گفته باشد من نبوتم را به عنوان ارث برای فرزندم باقی می‌گذارم. «طبری» در تفسیرش می‌گوید:

«وقوله (فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَثِيًّا) يقول: فارزقني من عندك ولدا وارثا ومعينا.

وقوله: (يَرِثُنِي وَيَرِثُ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ) يقول: يرثني من بعد وفاتي مالي، ويرث من آل يعقوب النبوة، وذلك أن زكريا كان من ولد يعقوب.»

جامع البيان عن تأويل آي القرآن؛ اسم المؤلف: محمد بن جرير بن يزيد بن خالد الطبري أبو جعفر الوفاة: 310، دار النشر: دار الفكر - بيروت - 1405، ج16، ص47

به سه شکل هم سند آورده که «مجاهد»، «مجاهد» و «ابو کریب»، هر سه سند به ابی صالح رسانده اند منفکاً. «بغوی» که تفسیرش از تفاسیر معتبر اهل سنت است در جلد 3 دارد:

«واختلفوا في هذا الإرث، قال الحسن (حسن بصری) معناه يرث مالي ويرث من آل يعقوب النبوة والحبوة»

تفسیر البغوي؛ اسم المؤلف: البغوي الوفاة: 516، دار النشر: دار المعرفة - بيروت، تحقيق: خالد عبد الرحمن العك، ج3، ص189

بعد عرض خواهیم کرد که معنای اول صحیح است و دومی اشکال دارد. «ابن عطیه» می‌گوید:

«والأكثر من المفسرين على أنه أراد وراثته المال»

المحرر الوجيز في تفسير الكتاب العزيز؛ اسم المؤلف: أبو محمد عبد الحق بن غالب بن عطية الأندلسي الوفاة: 546هـ دار النشر: دار الكتب العلمية - لبنان - 1413هـ - 1993م، الطبعة: الأولى،

تحقيق: عبد السلام عبد الشافي محمد، ج4، ص5

«قرطبي» در رابطه با معنای «یرثنی و یرث...» آورده:

قَالَ النَّحَّاسُ: فَأَمَّا مَعْنَى "يَرِثُنِي وَيَرِثُ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ" فَلِلْعُلَمَاءِ فِيهِ ثَلَاثَةٌ أَجُوبَةٌ، قِيلَ: هِيَ وِرَاثَةُ نَبْوَةٍ. وَقِيلَ: هِيَ وِرَاثَةُ حِكْمَةٍ. وَقِيلَ: هِيَ وِرَاثَةُ مَالٍ، فَأَمَّا قَوْلُهُمْ وِرَاثَةُ نُبُوَّةٍ فَمَحَالٌ، لِأَنَّ النُّبُوَّةَ لَا تُورَثُ... وَوِرَاثَةُ الْعِلْمِ وَالْحِكْمَةِ مَذْهَبٌ حَسَنٌ.. وَأَمَّا وِرَاثَةُ الْمَالِ فَلَا يَمْتَنِعُ، وَإِنْ كَانَ قَوْمٌ قَدْ أَنْكَرُوهُ

الجامع لأحكام القرآن؛ اسم المؤلف: أبو عبد الله محمد بن أحمد الأنصاري القرطبي الوفاة: 671، دار النشر: دار الشعب - القاهرة، ج 11، ص 81

«فخرالدين رازی» در تفسیرش به طور مفصل آورده که مراد از میراث در اینجا چیست.

وَاخْتَلَفُوا فِي الْمُرَادِ بِالْمِيرَاثِ عَلَى وُجُوهِ. أَحَدُهَا: أَنَّ الْمُرَادَ بِالْمِيرَاثِ فِي الْمَوْضِعَيْنِ هُوَ وِرَاثَةُ الْمَالِ وَهَذَا قَوْلُ ابْنِ عَبَّاسٍ وَالْحَسَنِ وَالضَّحَّاكِ. وَثَانِيهَا: أَنَّ الْمُرَادَ بِهِ فِي الْمَوْضِعَيْنِ وِرَاثَةُ النُّبُوَّةِ وَهُوَ قَوْلُ أَبِي صَالِحٍ. وَثَالِثُهَا: يَرِثُنِي الْمَالُ وَيَرِثُ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ النُّبُوَّةَ وَهُوَ قَوْلُ السُّدِّيِّ وَمُجَاهِدٍ وَالشَّعْبِيِّ وَرُؤْيٍ أَيْضًا عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ وَالْحَسَنِ وَالضَّحَّاكِ.

وَرَابِعُهَا: يَرِثُنِي الْعِلْمُ وَيَرِثُ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ النُّبُوَّةَ وَهُوَ مَرْوِيُّ عَنِ مُجَاهِدٍ وَاعْلَمَ أَنَّ هَذِهِ الرَّوَايَاتِ تَرْجِعُ إِلَى أَحَدِ أُمُورٍ خَمْسَةٍ وَهِيَ الْمَالُ وَمَنْصِبُ الْخُبُورَةِ وَالْعِلْمُ وَالنُّبُوَّةُ وَالسِّيَرَةُ الْحَسَنَةُ وَلَفْظُ الْإِرْثِ مُسْتَعْمَلٌ فِي كُلِّهَا.. وَاخْتَجَّ مَنْ حَمَلَ اللَّفْظَ عَلَى وِرَاثَةِ الْمَالِ بِالْخَبَرِ وَالْمَعْقُولِ أَمَّا الْخَبَرُ

فَقَوْلُهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «رَحِمَ اللَّهُ زَكَرِيَّا مَا كَانَ لَهُ مَنْ يَرِثُهُ»

وَوَظَاهِرُهُ يَدُلُّ عَلَى أَنَّ الْمُرَادَ إِرْثُ الْمَالِ وَأَمَّا الْمَعْقُولُ فَمِنْ وَجْهَيْنِ. الْأَوَّلُ: أَنَّ الْعِلْمَ وَالسِّيَرَةَ وَالنُّبُوَّةَ لَا تُورَثُ بَلْ لَا تَحْضُلُ إِلَّا بِالْإِكْتِسَابِ فَوَجَبَ حَمْلُهُ عَلَى الْمَالِ. الثَّانِي: أَنَّهُ قَالَ وَاجْعَلْهُ رَبِّ رَضِيًّا وَلَوْ كَانَ

الْمُرَادُ مِنَ الْإِزْثِ إِزْثَ النَّبُوَّةِ لَكَانَ قَدْ سَأَلَ جَعَلَ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَضِيًّا وَهُوَ غَيْرُ جَائِزٍ لِأَنَّ  
النَّبِيَّ لَا يَكُونُ إِلَّا رَضِيًّا مَعْصُومًا،

ظاهر و نقل که می گوید مراد ،ارث مال است،عقل هم همین طور...اگر نبوت مراد آیه باشد یعنی  
بعد از درخواست نبوت ،از خدا می خواهد «واجعله رب رضى»،در حالیکه اگر کسی نبی شد حتما  
رضی هم هست و در این صورت درخواست بی مورد است.پس مراد ارث مال است.

التفسير الكبير أو مفاتيح الغيب؛ اسم المؤلف: فخر الدين محمد بن عمر التميمي الرازي الشافعي  
الوفاة: 604، دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت - 1421هـ - 2000م، الطبعة : الأولى، ج 21،  
ص 156 و 157

«نیشابوری» متوفای 728 ایشان هم همین تعبیر را دارد:

واختلف المفسرون في أنه طلب ولدا يرثه أو طلب من يقوم مقامه ولدا كان أو غيره؟ والأول أظهر..  
واختلفوا أيضا في الوراثة فعن ابن عباس والحسن والضحاك: هي وراثة المال....

تفسير غرائب القرآن ورغائب الفرقان؛ اسم المؤلف: نظام الدين الحسن بن محمد بن حسين القمي  
النيسابوري الوفاة: 728 هـ دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت / لبنان - 1416هـ - 1996م،  
الطبعة : الأولى، تحقيق: الشيخ زكريا عميران، ج 4، ص 470

در رابطه با اینکه: «اورثنا بنی اسرائیل الكتاب» بحث مفصلی دارد، اما فرضاً هم اگر در غیر مال، استعمال  
شده باشد، قرینه وجود دارد و به صورت مجازی است، و در قضیه حضرت «زکریا» اضافه بر اینکه استعمال  
حقیقی است ، قرینه ای نیز در لفظ است که نشان می دهد مراد ارث مال است.

«ابن کثیر دمشقی» دارد:

«عَنِ الْحَسَنِ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: "رَحِمَ اللَّهُ أَحْيَى زَكَرِيَّا، مَا كَانَ عَلَيْهِ مِنْ  
وَرَثَةٍ (وراثه) مَالِهِ حِينَ يَقُولُ: {فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا \* يَرْتُدِّي وَيَرِثُ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ}»

وَرَثَةٌ ، جمع وَاْرَثَ.

«ابن عادل دمشقی» هم به همین شکل می‌گوید:

« واختلفوا ما المراد بالميراث، فقال ابنُ عبّاس، والحسنُ، والضحاك: وراثَةُ المالِ في الموضوعين.

... وقال السديُّ، ومجاهدٌ، والشعبيُّ: يَرِثُني المال، ويرثُ من آل يعقوب النبوة. »

الكتاب: اللباب في علوم الكتاب- المؤلف: أبو حفص سراج الدين عمر بن علي بن عادل الحنبلي  
الدمشقي النعماني (المتوفى: 775هـ)- المحقق: الشيخ عادل أحمد عبد الموجود والشيخ علي  
محمد معوض- الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت / لبنان- ج13 ، ص13

«سيوطي» چنین آورده:

« وَأَخْرَجَ الْفَرِيَابِيُّ ... قَالَ: يَرِثُني مَالِي وَيَرِثُ من آل يَعْقُوبِ النَّبُوءَةُ »

الدر المنثور؛ اسم المؤلف: عبد الرحمن بن الكمال جلال الدين السيوطي الوفاة: 911، دار النشر: دار  
الفكر - بيروت - 1993، ج5، ص480

در رابطه با حضرت «سليمان»:

(وَوَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُودَ)

سوره نمل (27): آیه 16

«سمرقندی» در «تفسیر بحر العلوم» آورده:

« قال عز وجل: وَوَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُودَ يَعْنِي: وَرِثَ مَلِكُهُ. وَقَالَ الْحَسَنُ: وَرِثَ الْمَالَ وَالْمَلِكُ لَا النَّبُوءَةَ  
وَالْعِلْمَ، لِأَنَّ النَّبُوءَةَ وَالْعِلْمَ فَضَلَ اللَّهُ تَعَالَى، وَلَا يَكُونُ بِالْمِيرَاثِ »  
نبوت و علم از تفضل الهی است و به میراث منتقل نمی شود.

تفسیر السمرقندی المسمى بحر العلوم؛ اسم المؤلف: نصر بن محمد بن أحمد أبو الليث السمرقندی

الوفاة: 367، دار النشر: دار الفكر - بيروت، تحقيق: د.محمود مطرجي، ج2، ص575

علو و نبوت تفضل خدای عالم است. علم لدنی را که خدای عالم عطا می کند، علم اکتسابی هم که در مدرسه و دانشگاه است.

**(اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ)**

خدا بهتر می داند رسالتش را کجا قرار دهد.

سوره الانعام (6): آیه 124

«فخر الدین رازی» این طور آورده:

«(وَوَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُودَ) فقد اختلفوا فيه، فقال الحسن المال لأن النبوة عطية مبتدأة ولا تُورث ...  
وَلَوْ تَأَمَّلَ الْحَسَنُ لَعَلِمَ أَنَّ الْمَالَ إِذَا وَرِثَهُ الْوَلَدُ فَهُوَ أَيْضًا عَطِيَّةٌ مُبْتَدَأَةٌ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى... لَكِنَّ اللَّهَ تَعَالَى  
جَعَلَ سَبَبَ الْإِزْثِ فِيَمَنْ يَرِثُ الْمَوْتَ عَلَى شَرَائِطٍ، وَلَيْسَ كَذَلِكَ الثُّبُوهُ لِأَنَّ الْمَوْتَ لَا يَكُونُ سَبَبًا لِنُبُوَّةِ  
الولد فمن هذا لوجه يَفْتَرِقَانِ

نبوت یک هدیه آغازین است یعنی هدیه ای است که خدای عالم تفضل می کند بدون اینکه طرف مقابل بهائی داده باشد.

التفسير الكبير أو مفاتيح الغيب؛ اسم المؤلف: فخر الدين محمد بن عمر التميمي الرازي الشافعي

الوفاة: 604، دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت - 1421هـ - 2000م، الطبعة : الأولى، ج24،

ص575

«فخر رازی» و دیگران هم در رابطه با قضیه تابوتی که خدای عالم برای «بنی اسرائیل» برای صدق نبوت شان

و ... قرار داده بود و اینها را از یکدیگر ارث می بردند، مطالبی آورده اند :

« قَالَ أَصْحَابُ الْأَخْبَارِ: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَنْزَلَ عَلَى آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ تَابُوتًا فِيهِ صُورُ الْأَنْبِيَاءِ مِنْ أَوْلَادِهِ، فَتَوَارَتْهُ أَوْلَادُ آدَمَ إِلَى أَنْ وَصَلَ إِلَى يَعْقُوبَ، ثُمَّ بَقِيَ فِي أَيْدِي بَنِي إِسْرَائِيلَ، فَكَانُوا إِذَا اخْتَلَفُوا فِي شَيْءٍ تَكَلَّمُوا وَحَكَمَ بَيْنَهُمْ وَإِذَا حَضَرُوا الْقِتَالَ فَدَمَوْهُ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ يَسْتَفْتِحُونَ بِهِ عَلَى عَدُوِّهِمْ، وَكَانَتِ الْمَلَائِكَةُ تَحْمِلُهُ فَوْقَ الْعَسْكَرِ وَهُمْ يُقَاتِلُونَ الْعَدُوَّ فَإِذَا سَمِعُوا مِنَ التَّابُوتِ صَيْحَةً اسْتَيْقَنُوا بِالنُّصْرَةِ، فَلَمَّا عَصَوْا وَفَسَدُوا سَلَطَ اللَّهُ عَلَيْهِمُ الْعَمَالِقَةَ فَغَلَبُوهُمْ عَلَى التَّابُوتِ وَسَلَبُوهُ، فَلَمَّا سَأَلُوا نَبِيَّهُمُ الْبَيْنَةَ عَلَى مُلْكِ طَالُوتَ، قَالَ ذَلِكَ النَّبِيُّ: إِنَّ آيَةَ مُلْكِهِ أَنْتُمْ تَجِدُونَ التَّابُوتَ فِي دَارِهِ »

الكتاب: مفاتيح الغيب = التفسير الكبير- المؤلف: أبو عبد الله محمد بن عمر بن الحسن بن الحسين التيمي الرازي الملقب بفخر الدين الرازي خطيب الري (المتوفى: 606هـ)- الناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت. ج 6 ، ص 506

این تابوت چیزی بود که در موارد اختلافی صحبت می‌کرد، و مشکلات «بنی اسرائیل» را حل می‌کرد در جنگ‌ها می‌بردند و به برکت او، فتحی نصیب‌شان می‌شد.

طبری هم ذیل آیه :

«إن آية ملكه أن يأتيكم التابوت فيه سكينه من ربكم وبقيّة مما ترك آل موسى وآل هارون»

به طور مفصل در رابطه با جریان «شمویل» پیغمبر می‌آورد و تابوت و اشیاء درونش که نشانه های نبوت بودند که به او رسیده بود.

تاریخ الطبري؛ اسم المؤلف: لأبي جعفر محمد بن جرير الطبري الوفاة: 310، دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت، ج 1، ص 277

کاملاً واضح و روشن است که بحث ارث در قرآن و در لغت به معنای عمدتاً مال است مگر قرینه ای باشد که در غیر مال ما بخواهیم استعمال کنیم، ما هم تابع قرائن هستیم.

می‌رسیم به خطبه حضرت زهرا (سلام الله علیها). آنچه که مرحوم «طبرسی» در «الإحتجاج» دارد ملاحظه بفرمایید:

وَأَنْتُمْ الْآنَ تَزْعُمُونَ أَنْ لَا إِرْثَ لَنَا أَمْ فَحُكْمَ الْجَاهِلِيَّةِ يَبْغُونَ وَ مَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حُكْمًا لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ

أَفَلَا تَعْلَمُونَ؟ بَلَى قَدْ تَجَلَّى لَكُمْ كَالشَّمْسِ الصَّاحِيَةِ أَيُّ ابْنَتِهِ أَيُّهَا الْمُسْلِمُونَ أَأَغْلَبَ عَلَى إِرْثِي يَا ابْنَ أَبِي قُحَافَةَ أَمْ فِي كِتَابِ اللَّهِ تَرِثُ أَبَاكَ وَ لَا أَرِثُ أَبِي لَقَدْ جِئْتَ شَيْئًا فَرِيًّا أَمْ فَعَلَى عَمْدٍ تَرَكْتُمْ كِتَابَ اللَّهِ وَ نَبَذْتُمُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِكُمْ

و شما اکنون گمان می‌برید که برای ما ارثی نیست، آیا خواهان حکم جاهلیت هستید، و برای اهل یقین چه حکمی بالاتر از حکم خداوند است، آیا نمی‌دانید؟ در حالی که برای شما همانند آفتاب درخشان روشن است، که من دختر او هستم.

ای مسلمانان! آیا سزاوار است که ارث پدرم را از من بگیرند، ای پسر ابی قحافه، آیا در کتاب خداست که تو از پدرت ارث ببری و از ارث پدرم محروم باشم. امر تازه و زشتی آوردی، آیا آگاهانه کتاب خدا را ترک کرده و پشت سر می‌اندازید

إِذْ يَقُولُ وَ وَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُدَ وَ قَالَ فِيمَا افْتَضَّ مِنْ خَبَرِ يَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا إِذْ قَالَ- فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا يَرِثُنِي وَ يَرِثُ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ وَ قَالَ وَ أُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَى بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ وَ قَالَ يُوَصِّيكُمْ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَيْنِ وَ قَالَ إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةُ لِلْأَدْنَى وَ الْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ وَ زَعَمْتُمْ أَنْ لَا خُطْوَةَ لِي وَ لَا أَرِثُ مِنْ أَبِي وَ لَا رَحِمَ بَيْنَنَا أَمْ فَخَصَّكُمْ اللَّهُ بِأَيَّةٍ أَخْرَجَ أَبِي مِنْهَا أَمْ هَلْ تَقُولُونَ إِنَّ أَهْلَ مِلَّتَيْنِ لَا يَتَوَارَثَانِ أَمْ لَسْتُ أَنَا وَ أَبِي مِنْ أَهْلِ مِلَّةٍ وَاحِدَةٍ أَمْ أَنْتُمْ أَعْلَمُ بِخُصُوصِ الْقُرْآنِ وَ عُمُومِهِ مِنْ أَبِي وَ ابْنِ عَمِّي

و شما گمان می‌برید که مرا بهره‌ای نبوده و سهمی از ارث پدرم ندارم، آیا خداوند آیه‌ای به شما نازل کرده که پدرم را از آن خارج ساخته؟ یا می‌گوئید: اهل دو دین از یکدیگر ارث نمی‌برند؟ آیا من و پدرم را از اهل یک دین نمی‌دانید؟ و یا شما به عام و خاص قرآن از پدر و پسرعمویم آگاه‌ترید؟

الإحتجاج على أهل اللجاج؛ نویسنده: طبرسی، احمد بن علی، ناشر: نشر مرتضی، محقق / مصحح:

خرسان، محمد باقر، ج 1، ص 102

«ابن طیفور» متوفای 280 هجری است که همین تعابیر را نقل کرده:

« ثم قالت في متصل كلامها أفعلى محمد تركتم كتاب الله ونبذتموه وراء ظهوركم إذ يقول الله تبارك وتعالى وورث سليمان داود وقال الله عز وجل فيما قص من خبر يحيى زكريا رب هب لي من لدنك ولياً يرثني ويرث من آل يعقوب وقال عز ذكره وألوا الأرحام بعضهم أولى ببعض في كتاب الله وقال يوصيكم الله في أولادكم للذكر مثل حظ الأنثيين وقال إن ترك خيراً الوصية للوالدين والأقربين بالمعروف حقاً على المتقين وزعمتم أن لا حق ولا وارث لي من أبي ولا رحم بيننا أفخصكم الله بآية أخرج نبيه صلى الله عليه منها أم تقولون أهل ملتين لا يتوارثون أولست أنا وأبي من أهل ملة واحدة لعلمم أعلم بخصوص القرآن وعمومه منالنبى صلى الله عليه وسلم لى الله عليه أفحكم الجاهلية تبغون ومن أحسن من الله حكماً لقوم يوقنون أأغلب على إرثي جوراً وظلماً وسيعلم الذين ظلموا أي منقلب ينقلبون »

الكتاب: بلاغات النساء- المؤلف: أبو الفضل أحمد بن أبي طاهر ابن طيفور (المتوفى: 280هـ)-

صححه وشرحه: أحمد الألفي- الناشر: مطبعة مدرسة والدة عباس الأول، القاهرة ج 1، ص 21

«ابن ابى طيفور» از علمای بزرگ اهل سنت است، «زرکلی» که او نیز از علمای برجسته اهل سنت است، در

کتاب «الاعلام» خودش در مورد «ابن ابى طيفور» دارد:

« أحمد بن طيفور (أبي طاهر) الخراساني، أبو الفضل: مؤرخ، من الكتاب البلغاء الرواة. »

کتاب: الأعلام؛ نویسنده: خير الدين الزركلي (وفات : 1410)، ناشر: دار العلم للملايين - بيروت -

لبنان، سال چاپ : أيار - مايو 1980، ج 1، ص 141

همچنین در کتاب «الوافى بالوفيات» درباره او دارد:



« أحمد بن طيفور أبو الفضل ابن أبي طاهر مروزي الأضل أحد البلغاء الشعراء الرواة من أهل  
الفهم المذكورين بالعلم وهو صاحب كتاب تاريخ بغداد في أخبار الخلفاء والأمراء وأيامهم »

الوافي بالوفيات؛ اسم المؤلف: صلاح الدين خليل بن أيبك الصفدي الوفاة: 764، دار النشر: دار إحياء  
التراث - بيروت - 1420هـ - 2000م، تحقيق: أحمد الأرناؤوط وتركي مصطفى، ج7، ص7

«عمر رضا كحاله» از علمای بزرگ اهل سنت و معاصر است و واقعاً شخصیت برجسته‌ی عالم «عرب» و اسلام  
است، ایشان در کتاب «أعلام النساء في عالمي العرب والإسلام» در جلد 4، استدلال حضرت زهرا (سلام  
الله علیها) را می‌آورد:

«فمالي أمنع إرث أبي أنزل الله في الكتاب إلا فاطمة بنت محمد فتدلي علي فاقنع به»

در آیه قرآن آمده است که همه ارث می‌برند غیر از فاطمه، این آیه در کجای قرآن است به من  
نشان بدهید تا قانع شوم.

تعابیر، تعابیر خیلی سنگینی است. در کتاب «منال الطالب في شرح طوال الغرائب»، اثر «ابن اثیر مجد  
الدین ابو سادات» متوفای 606 (با «ابن اثیر» مشهور، متوفای 630 است متفاوت است) دارد:

«معشر المسلمة؛ أبتز إرث أفي كتاب الله أن ترث أباك ولا أرث أبيه. لقد جئت شيئاً فريباً»

«ابن حمدون» در «تذکره حمدونیه» مفصلاً این تعبیر را می‌آورد:

«إيها معشر المسلمة المهاجرة، أبتز إرث أبي؟! أفي الله؛ أفي الكتاب يا ابن أبي قحافة أن ترث أباك  
ولا أرث أبي؟ لقد جئت شيئاً فريباً. فدونها مخطومة مرحولة تلقاك يوم حشرك»

«فنعلم الحكم الله، والزعيم محمد صلى الله عليه وسلم والموعد القيامة، وعند الله يحشر المبطلون  
ولكل نبأ مستقر، وسوف تعلمون»

اینک این تو و این شتر، شتری مهارزده و رحل نهاده شده، برگیر و ببر، با تو در روز رستاخیز ملاقات خواهد  
کرد. چه نیک دآوری است خداوند، و نیکو دادخواهی است پیامبر، و چه نیکو وعده‌گاهی است قیامت...

همه اینها مفصل است، در فرازی دیگر می فرماید:

« إِيهَا بَنِي قَيْلَةَ، أَأَهْتَضِمُ تَرَاثَ أَبِيهِ وَأَنْتُمْ بِمَرَأَى مَنِي وَمَسْمَعٍ... »

ای پسران قیله- گروه انصار- آیا نسبت به میراث پدرم مورد ظلم واقع شوم در حالی که مرا می بینید  
و سخن مرا می شنوید

الحمدونية؛ اسم المؤلف: ابن حمدون محمد بن الحسن بن محمد بن علي الوفاة: 608هـ دار  
النشر: دار صادر - بيروت/لبنان - 1996م، الطبعة: الأولى، تحقيق: إحسان عباس، بكر عباس، ج6،  
ص257

همه اینها نشان می دهد که قضیه ارث در قرآن به وضوح آمده و اینکه حضرت صدیقه طاهره (سلام الله  
علیها) به آیات استناد می کند چون در حقیقت یک بحث و حکم قرآنی است و در فقه شیعه و سنی هم  
بحث ارث از ضروریات دین است، نه از ضروریات مذهب!

اگر کسی منکر حکم ارث و وراثت باشد از دایره اسلام خارج می شود نه از دایره مذهب، و لذا این بحث را  
عزیزان دقت داشته باشند..

امیدواریم که ان شاء الله همه عزیزان ما موفق و مؤید باشند، بر توفیقات همه عزیزان بیافزاید، در این  
روزها ما را هم دعا بفرمایید، خدا ان شاء الله به همه عزت و کرامت عنایت کند، حاجت همه را برآورده کند

پرسش:

نماز استغاثه حضرت زهرا را در عصر جمعه، اگر ممکن است دوباره توضیح دهید.

پاسخ:

نماز استغاثه حضرت زهرا طبق بحار و بلد الامین: 510 مرتبه ذکر شریف را دارد:

تُصَلِّي رَكْعَتَيْنِ فَإِذَا سَلَّمَتْ فَكَبِّرِ اللَّهَ ثَلَاثًا وَ سَبِّحْ تَسْبِيحَ الزَّهْرَاءِ ع وَ اسْجُدْ وَ قُلْ مِائَةَ مَرَّةٍ يَا مَوْلَانِي  
يَا فَاطِمَةُ أَعْيُنِي ثُمَّ صَغْ حَدَّكَ الْأَيْمَنَ وَ قُلْ كَذَلِكَ ثُمَّ عُدْ إِلَى السُّجُودِ وَ قُلْ كَذَلِكَ ثُمَّ صَغْ حَدَّكَ

الْأَيْسَرَ عَلَى الْأَرْضِ وَ قُلْ كَذَلِكَ تُمْ عُدُّ إِلَى السُّجُودِ وَ قُلْ كَذَلِكَ مِائَةٌ مَرَّةً وَ عَشْرَ مَرَّاتٍ وَ ادْكُرْ حَاجَتَكَ  
تُقْضَى

اما طبق مكارم الاخلاق مرحوم طبرسی، 410 مرتبه ذكر شريف بايد گفته شود:

تُصَلِّي رَكَعَتَيْنِ تُمْ تَسْجُدُ وَ تَقُولُ يَا فَاطِمَةُ مِائَةً مَرَّةً تُمْ تَضَعُ حَدَّكَ الْأَيْمَنَ عَلَى الْأَرْضِ وَ قُلْ مِثْلَ  
ذَلِكَ وَ تَضَعُ حَدَّكَ الْأَيْسَرَ عَلَى الْأَرْضِ وَ تَقُولُ مِثْلَهُ تُمْ اسْجُدُ وَ قُلْ ذَلِكَ مِائَةً وَ عَشْرَ دَفْعَاتٍ وَ قُلْ : يَا  
أَمِنًا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَ كُلُّ شَيْءٍ مِنْكَ خَائِفٌ حَذِرٌ أَسْأَلُكَ بِأَمْنِكَ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَ خَوْفٍ كُلِّ شَيْءٍ مِنْكَ أَنْ  
تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تُعْطِيَنِي أَمَانًا لِنَفْسِي وَ أَهْلِي وَ مَالِي وَ وُلْدِي حَتَّى لَا أَخَافَ أَحَدًا  
وَ لَا أَحْذَرَ مِنْ شَيْءٍ أَبَدًا إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

الحق و الانصاف خيلى مهم است ،بنده ملتزم هستم، با اينكه ديروز (غروب جمعه) حالم خيلى بد بود و اصلاً  
توانايى حرف زدن هم نداشتم، با زحمت زياد توانستم نماز استغاثه حضرت زهرا (سلام الله عليها) را بخوانم.  
بنده عرض كردم در خيلى از شداوند و مشكلات، بنده كرامت و معجزه از نماز استغاثه حضرت زهرا (سلام الله  
عليها) ديده ام. موفق و مؤيد باشيد خدا نگهدار همه عزيزان!

«والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته»